

ادب و تعارف در ایران

زورن فایکا^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی در دانشگاه هامبورگ

(از ص ۱۰۵ تا ص ۱۲۴)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۵/۰۱؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۰۶/۲۰

چکیده

در پژوهش‌های معمول بین‌المللی دربارهٔ *politeness*، رفتار مؤدبانه در ایران هم مورد بحث قرار گرفته است و محور این پژوهش‌ها تعارف بوده است. تعارف به طور معمول به «Iranian politeness» تعریف شده است. نگارنده تلاش می‌کند یک دیدگاه متفاوت را ارائه کند، چونکه می‌توان بین ادب (رفتار مؤدبانه) و تعارف تفاوت قائل شد و این تمایز منحصراً از طریق اصطلاحات قابل تشخیص نیست، بلکه به عوامل مختلف مهمی بستگی دارد. در ارزیابی رفتار اجتماعی و تمایز بین ادب و رفتار تعارفی، محیط، موقعیت، زبان بدن و چهره و به‌ویژه لحن نقش اساسی دارند. پس رفتار مؤدبانه و تعارف تحت یک گفتمان اجتماعی مدام و مستمر بین آن آدم‌هایی که با هم در ارتباط هستند صورت می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: هنجار اجتماعی، تعارف، رفتار مؤدبانه، روابط اجتماعی، هویت‌سازی، بافت جامعه.

مقدمه

هدف این مقاله در نخستین گام این است که به بعضی مفاهیم در حوزه روابط اجتماعی بپردازد که در این حوزه معمولاً موضوع پژوهش‌اند.^(۱) سپس تعارف را به عنوان یک ابزار تنظیم روابط اجتماعی تعریف خواهیم کرد. در گام بعدی بر اساس نظریه ریچارد واتس درباره ادب، تمایز بین ادب ۱ و ادب ۲ را معرفی خواهیم کرد تا فهم عمومی غیر علمی از ادب (ادب ۱) و کوشش برای ساخت یک نظریه عام جهان‌شمول درباره ادب (ادب ۲) قابل تمایز و بیان کردنی شود.

در این مقاله چندین مسئله تاریخی و معاصر در موضوع ادب و تعارف مطرح می‌شود که در آینده می‌توان درباره آن بیشتر نوشت. البته در پژوهش درباره ادب و تعارف باید بین ساختار عملی و ساختار عمومی غیر علمی فرق گذاشت، چونکه توضیح رفتار همواره یک روایت منسجم^۱ از رفتار در چارچوب تفکر فرد است و لزوماً ساختار واقعی یا عملی در آن بازتاب داده نمی‌شود. در پایان مقاله، ضمن اینکه خواهیم گفت که معنای لغت تعارف شاید در حال تغییر باشد و معنای آن به سوی کلمه آلمانی *Höflichkeit* دگرگون می‌شود، امکان ترویج لغت تعارف را مطرح خواهیم کرد و خواهیم گفت که این کلمه می‌تواند به گنجینه واژگان جهانی در این موضوعات افزوده شود.

دو سال پیش فرصتی داشتم که در یک همایش مشترک بین ایران و آلمان با استادان و دانشجویان ایرانی در دانشگاه هامبورگ شرکت کنم. در این همایش، علاوه بر چندین سخنرانی، گروه‌های مختلف تشکیل شد و در هر گروه یک مسئله زبان‌شناسی مورد بحث قرار گرفت. من در یکی از این گروه‌ها با چند پژوهشگر ایرانی و آلمانی موضوع تعارف را مورد بحث قرار دادیم و تلاش کردیم تعریفی مشترک از تعارف پیدا کنیم. پس از چندین جلسه به این نتیجه رسیدیم که آلمانی‌ها و ایرانی‌ها نظرهای متفاوت در این باره دارند. دانشجویان آلمانی تعارف را به «Iranian politeness» تعریف می‌کردند و پژوهشگران ایرانی بر این عقیده بودند که تعارف و *politeness* با هم یکی نیستند. این تصورات متفاوت از این مفهوم برای نگارنده بسیار شگفت‌انگیز و تأثیرگذار بود. با اینکه ما به کتب و مقالات علمی درباره تعارف رجوع کردیم، به یک تعریف مشترک نرسیدیم، زیرا در این آثار علمی تعارف به «Iranian politeness» تعریف شده است (مثلاً رک. Beeman, 1976; 1986; Koutlaki, 2002). البته می‌توان فرق تعارف با ادب را به معنای رفتار مؤدبانه به‌راحتی تشخیص داد. به عنوان نمونه، وقتی که یک مهمان به مهمانی می‌رود و یک پیشکش مانند یک دسته‌گل را به میزبان هدیه می‌دهد، این

1. coherent

رفتار مؤدبانه به شمار می‌رود. اما اگر بعد میزبان بگوید که «چرا این کار را کردید؟ لازم نبود، شما خودتان گل هستیدا!...» این رفتار تعارف محسوب می‌شود.

پیش از اینکه اجزای این مقاله را تشریح کنم، لازم می‌دانم این نکته را متذکر شوم که هدف مقاله طبقه‌بندی قطعی اصطلاحات تعارفی و پدیده‌های رفتار مؤدبانه نیست؛ به این معنی که در اینجا شرح داده نمی‌شود که ایرانی‌ها چه کاری را مؤدبانه می‌دانند و چه کاری را تعارف محسوب می‌کنند. به نظر نگارنده این کوشش همیشه ناکامل خواهد ماند، چونکه بین تعارف و ادب (رفتار مؤدبانه)، با این حال که با یکدیگر متفاوتند، یک وجه اشتراک وجود دارد. اشتراک آنها این است که هر رفتاری که آدمی انجام می‌دهد منحصراً در صورتی که فلان کار در محیط و موقعیت حاضر، نسبت به طرف مقابل، بجا باشد، مؤدبانه (و یا تعارفی) تلقی می‌شود.^(۲) پس تعارف و ادب (رفتار مؤدبانه) همیشه پدیده‌ای است که موضوع یک گفتمان اجتماعی مستمر^۱ معمولاً بین دو نفر در یک موقعیت خاص قرار دارد و تلقی از آن پیوسته در این روند است که تعیین می‌شود. به این منظور، تشریح رفتارهای مؤدبانه و تعارفی نارسا می‌ماند. در این حال، هم برای تعارف هم برای ادب، باید از نمونه‌ها استفاده کرد تا ویژگی‌ها و مرز مشخص بین پدیده‌ها روشن شود. البته این امر، به دلایل ذکرشده و به این دلیل که تعارف و ادب (مؤدب بودن) به طور تنگاتنگ به هم پیوسته‌اند، مشکل‌ساز می‌باشد و تمایز میان تعارف و ادب پیچیده می‌ماند. درباره منابع این مقاله هم باید صحبت شود.

درباره منابع هم لازم است چند کلمه گفته شود. برای نگارنده این مقاله آغاز پژوهش در این موضوع است و متأسفانه فرصتی نبود که مصاحبه‌های کیفی را که نگارنده برای این مقاله تهیه کرده بود به طور دقیق مورد بررسی قرار دهد یا از منابع نوشتاری که در مدت اقامت در ایران گردآوری کرده استفاده کند، چون متأسفانه مدت کوتاهی در ایران اقامت داشته است.^(۳) به هر حال، تلاش شده است بر اساس برداشت کلی از مصاحبه‌ها و مشاهده در جامعه و بعضی مطالعات، این مقاله به بهترین صورت نوشته شود.

۱. اهداف و مراحل بررسی

با وجود پیچیدگی تمایز میان تعارف و ادب، هدف مقاله این است که ویژگی‌های خاص تعارف و ادب را، به معنی مؤدب بودن، تعریف کند تا رابطه و وابستگی این دو مفهوم روشن‌تر شود. علاوه بر این، دومین هدف مقاله این است که تعارف و ادب به عنوان یک

1. a constant social discourse

مطلب و مسئله علمی مطرح شود که ظرفیت بحث بیشتری دارد. سرانجام، آخرین هدف مقاله این است که درباره چند پرسش اساسی در موضوع ادب و به‌ویژه تعارف که تا کنون بی‌پاسخ مانده‌اند بحث کند. برای دستیابی به این اهداف باید مراحل این بررسی روشن شود. در نخستین گام، به دشواری بررسی مفاهیم ادب و تعارف اشاره می‌شود و یک تعریف از ادب و تعارف به دست داده می‌شود تا در گام بعدی به رابطه آنها پرداخته شود. سپس به چند مسئله که نقش مهمی در بررسی ادب و تعارف داشته‌اند و به دگرگونی کنونی در معنای تعارف اشاره می‌شود. در آخرین گام، این مقاله می‌کوشد چشم‌اندازی از پژوهش‌های ممکن را طراحی کند، چند پرسش و مطلب را مطرح نماید و به یک مسئله اساسی در آن اشاره کند. در آخر، این مقاله با نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد.

۲. مسئله مفاهیم

ادب را در فارسی همیشه معادل لفظ *politeness* به کار نمی‌برند. پس از فتح ایران به دست اعراب و غلبه زبان عربی بر زبان فارسی، مفهوم عربی ادب وارد زبان فارسی شد، اما معنای آن به وسیله رفتار درباری ایرانی گسترده‌تر شد و در گذر زمان به حالت امروزی تغییر پیدا کرد.^(۴) بنابراین، هم رفتار درباری ایرانی در این مفهوم آمیخته شده هم تصور کلی عربی قدیمی ادب که شامل تربیت گاه غیر دینی می‌شد و با مفاهیم فرهنگ و آیین در متون فارسی میانه مشابهت‌هایی داشت (Pellat, 1969: 64). در زمان معاصر، در صورتی که منظورمان از ادب رفتار مؤدبانه باشد، به احتمال زیاد احتیاج به توضیحات بیشتری داریم. در زبان آلمانی *Höflichkeit* یا در زبان انگلیسی *politeness* به این گونه نیستند.^(۵) تصور کلی از این واژه‌ها در هر دو زبان در زمان معاصر رفتار مؤدبانه است. همین حالت در مورد واژه تعارف در زبان فارسی هم هست. ولی ترجمه تعارف به این زبان‌ها یا ترجمه آن معنای کلی که از این دو لغت آلمانی و انگلیسی به ذهن می‌آید به زبان فارسی همیشه آسان نیست، و این باعث می‌شود که بررسی پدیده‌های ادب و تعارف هم دشوار شود، زیرا با کلمات مختلف، تصورات اجتماعی و فرهنگی گوناگون پیوسته است. این است که پیش از بررسی این پدیده‌ها باید مفاهیم را تعیین کرد و در مورد یک زبان علمی واحد به توافق رسید.

۳. تعریف مفاهیم

در ابتدا واژه ادب به معنی *politeness* تعریف شد. علت و تبعات و نتایج ضمنی این مرحله از بررسی بعداً روشن‌تر می‌شود. در هر صورت به این گونه می‌توان پژوهش‌های

بین‌المللی در مورد *politeness* را به این مفهوم ادب ایرانی پیوند زد. در این عرصه چهار نویسنده، گوفمان (1955; 1976)^(۶) و براون و لوینسان (1978; 1987)^(۷) و لیچ (1983)، بسیار تأثیرگذار بوده‌اند و در واقع پایه‌های این بخش پژوهش را گذاشته‌اند و بی‌شک نظریه براون و لوینسان هنوز تأثیرگذارترین نظریه این حوزه است. البته آثار آنان هم در گذر زمان مورد نقد قرار گرفته است. یک مسئله بزرگ این نقدها این بوده که در حقیقت نظریه آنها «theory of politeness» نیست، بلکه یک «theory of face»^(۸) است و در بسیاری از موقعیت‌های زندگی، بخصوص در فرهنگ‌های مختلف، همیشه مصداق ندارد. به همین سبب در این مقاله برای فهم ادب (politeness) از نوشتارهای واتس (1992; 2003) استفاده می‌شود.

واتس درباره ادب می‌گوید که در نخستین گام باید بین ادب ۱ و ادب ۲ فرق گذاشت. ادب ۱ (politeness 1) به این گونه تعریف می‌شود که شامل رفتارهای مؤدبانه یک فرهنگ یا یک جمعیت است و بنابراین ملاک آن تلقی افراد همین جمعیت از رفتار ملموس و واقعی^۱ در یک موقعیت خاص است. این به طور کلی فهم عادی و رایج از ادب در یک فرهنگ به شمار می‌رود. در مقابل آن، واتس ادب ۲ (politeness 2) را در مقام یک مفهوم علمی تعریف کرده است. این مفهوم علمی برای طراحی یک نظریه کلی از رفتار مؤدبانه به کار برده شده و واتس متذکر شده است که کلمه انگلیسی *politeness* فقط به این سبب که زبان انگلیسی نقش زبان علمی بین‌المللی را پیدا کرده به عنوان اصطلاح عام در پژوهش درباره رفتار مؤدبانه رایج شده است. البته واتس این را هم متذکر شده که در عمل، پژوهش درباره ادب به همین خاطر تحت تأثیر تصور انگلیسی از رفتار مؤدبانه واقع شده است. پیش از پژوهش‌های واتس، ضمن اینکه بین ادب ۱ و ادب ۲ فرق گذاشته نشده بود، محققان کوشیده بودند که بر اساس شرح ادب ۱ یک نظریه کلی بسازند. اما وقتی فقط موضوع پژوهش ادب ۱ باشد و مبنای این پژوهش اصطلاحات و تعبیرات مؤدبانه و گفتارهای افراد باشد، رفتار مؤدبانه یا بی‌ادبانه بر اساس آن اصطلاحات و تعبیرات تعیین می‌شود. البته واتس استدلال می‌کند که هر رفتاری (و این شامل همه گفتارها^۲ هم هست) در روابط انسانی نه صرفاً مؤدبانه یا بی‌ادبانه است، بلکه امکان دارد بدون اینکه حالت مؤدبانه یا بی‌ادبانه پیدا کند بجا یا بی‌جا باشد. به عنوان نمونه^(۹) این تعبیرات را در نظر بگیرید (در زبان محاوره‌ای): (۱) اه! خودکار! (۲) خودکارتو بده؛ (۳) خودکارتو بهم می‌دی؟!؛ (۴) ممکنه خودکارتون را بهم

1 . concrete actions and behaviour

2 . verbal speech acts

بدین؟ (۵) لطف می‌کنین خودکارتون را (برای یه لحظه) بهم بدین؟ همه این مثال‌ها امکان دارد بجا یا بی‌جا باشند و امکان اینکه بی‌ادبانه یا مؤدبانه تلقی شوند تا اندازه زیادی به موقعیت و مخاطب بستگی دارد. پس ممکن است در صورتی که رابطه گوینده و مخاطب و موقعیت مناسب باشد، نمونه یکم حتی خنده‌دار باشد (یعنی بجا)، ولی به هر حال مؤدبانه محسوب نمی‌شود. همچنین نمونه پنجم ممکن است در موقعیت خاص بی‌جا و به نوعی عجیب و یا حتی طعنه‌آمیز تلقی شود. به این منظور، رفتار مؤدبانه یا تعارفی را منحصرأ نمی‌توان بر اساس اصطلاحات و تعبیرات تشخیص داد و همیشه یک گفتمان بین گوینده و مخاطب در یک موقعیت خاص تعیین‌کننده آن است.^(۱۰) واتس ارزیابی بجا یا بی‌جا بودن یک رفتار را «سیاست‌مندان»^(۱۱) نامیده است. بنا بر این ملاک، رفتار اجتماعی چهار حالت دارد: (۱) بی‌ادبانه و بی‌سیاست (یا بی‌جا)؛ (۲) باسیاست و غیرمؤدبانه؛ (۳) باسیاست و مؤدبانه؛ (۴) بی‌سیاست و بیش از اندازه مؤدبانه. به گفته واتس در این گفتمان، طرح گوفمان از «face»^(۱۲) نقش مرکزی دارد. «face» تصور ذهنی فردی است از ارزش اجتماعی مثبتی که فرد برای خویشتن ادعا و طلب می‌کند، و منافع آن فرد این است که «face» خودش را حفظ کند و یا حالت بهتری را به خود گیرد. به نظر گوفمان «face» همچنین یک طرح گفتمانی است که دائم در حال تغییر است و مخصوصاً به موقعیت و نقش عمومی و کنونی آن فرد بستگی دارد. پس یک فرد می‌تواند نسبت به نقش کنونی - به عنوان مثال یک زنی که هم مادر، هم همسر و هم صدراعظم است - چندین «face» گوناگون داشته باشد و به این معنی، «face» مانند صورتک یک فرد است. ارزیابی رفتار آن فرد از طرف مقابل و هم‌زمان رفتار طرف مقابل از آن فرد^(۱۳) در یک موقعیت خاص و با توجه به «face»شان در همین موقعیت رخ می‌دهد و آن فرد باید برای حفظ «face» خویش، «face» طرف مقابل هم را حفظ کند. این کار تحت تأثیر هنجارها و قاعده‌های اجتماعی قرار دارد، اما ادب فقط بخشی (البته بخشی مهم) از تمامی هنجارهای اجتماعی را تشکیل می‌دهد. ولی پیش از اینکه به این مطلب در بخش بعد بیشتر پرداخته شود، این‌جا مهم است که بگوییم: (۱) «face» نقش مرکزی را در ارزیابی رفتار (اجتماعی) دارد و (۲) تمایز میان مؤدبانه و بی‌ادبانه بودن فقط بخشی از طرح رفتار اجتماعی انسان‌هاست و از آنجا که رفتار اجتماعی گسترده‌تر از رفتار مؤدبانه یا بی‌ادبانه است، واتس به این طرح نام «relational work» می‌دهد (Watts and Locher, 2005: 12)، که ما از این پس به آن «رفتار اجتماعی» می‌گوییم.^(۱۴) به علاوه، اگرچه رفتار بی‌ادبانه و مؤدبانه (بیش از اندازه) فقط بخشی از رفتار اجتماعی می‌باشد، این بخش طیف رفتار اجتماعی جلب توجه

بیشتر می‌کند، چون این دو در قطب‌های طیف رفتار اجتماعی قرار دارند و بیشتر از هنجار اجتماعی انحراف می‌یابند تا رفتار بجا. در ادامه بحث تعارف را به عنوان یک ابزار رفتار اجتماعی، به‌ویژه برای رفتار مؤدبانه و بیش از اندازه مؤدبانه، معرفی می‌کنیم.

امکان دارد که تعارف بجا، مؤدبانه یا بیش از اندازه مؤدبانه (تعارف بیش از اندازه) تلقی شود، ولی به طور معمول بی‌ادبانه تلقی نمی‌شود، هرچند که ممکن است آزاردهنده یا اذیت‌کننده باشد.^(۱۵) توجه به این ویژگی شاید درباره ماهیت تعارف لازم باشد، زیرا نشان می‌دهد که تعارف ابزاری در رفتار اجتماعی تلقی می‌شود و به این منظور هدفش معمولاً مراقبت از رابطه بین گوینده و مخاطب است، و این مراقبت به طور کلی، چون انسان یک موجود اجتماعی است، معمولاً مؤدبانه (مثبت) تلقی می‌شود،^(۱۶) و از آنجا که تعارف ابزار است، می‌توان کارهای گوناگون با آن ابزار انجام داد، مانند برقرار کردن و میزان کردن و حفظ فاصله در رابطه یا به طور خلاصه تنظیم رابطه بین انسان‌ها. پس اصطلاحات روزمره‌ای که اکثراً تعارف تلقی می‌شوند، مانند جواب‌های «زنده باشید، فدایت شوم، کوچک شما هستم و غیره»، فقط ظاهر یا روی یک پدیده انسانی خیلی عمیق‌تر و اساسی‌ترند، به اصطلاح نوک یک کوه یخ را به نمایش درمی‌آورند و به همین خاطر نقش مهمی در نامگذاری این پدیده دارند. این پدیده، چنانکه گذشت، رفتار اجتماعی است برای تنظیم روابط بین مردم، و «face» (یا شاید «آبرو» یا «نام» یا «وجهه») در این روند گفتمانی (که حتی در درون خویشتن هم صورت می‌گیرد) نقش مرکزی دارد. این گفتمان به فنون مختلف به نمایش در می‌آید:

(۱) زبانی، یعنی نوشتاری و گفتاری. در این صورت، لحن یا سبک نوشتن به نوشته یا گفته هویت می‌دهد.

(۲) غیر زبانی: زبان بدن و حالت چهره.

در رفتار اجتماعی سه وجه بسیار مهم به نظر می‌رسد:

(۱) محبت: در صورتی که کاری انجام شود که فقط به علت دوست داشتن صورت می‌گیرد نه به علت ادب. پس در اینجا منظور ادب ۱ نیست.

(۲) هنجارهای اجتماعی: اساس ادب ۱ بر طبق تعریف قبلی است.^(۱۷)

(۳) رفتار هدفمند: وقتی که آدم کاری را صرفاً به علت هدف شخصی‌اش انجام می‌دهد. این سه همچنین عوامل تعارف (تنظیم روابط) هم هستند^(۱۸) و چونکه رفتار اجتماعی حاوی چهار حالت مختلف است (بی‌جا، باسیاست، مؤدبانه، بیش از اندازه)، تعارف به عنوان یک ابزار رفتار اجتماعی مطرح شود و نه فقط به عنوان ابزار رفتار مؤدبانه.

در ادب ۱ هم چند وجه می‌توان تشریح شد که نقش مهمی را در ایران دارند:^(۱۹)

(۱) احترام، به‌ویژه به بزرگترها و مقامات و کسانی که جایگاه علمی، فرهنگی، ... مهمی دارند، تحصیل کرده‌ها، ...

(۲) رودربایستی (یا به تلفظ گفتاری: رودروایسی)، یعنی نگفتن یا نکردن آنچه دل آدمی می‌خواهد بگوید یا بکند، زیرا جایش نیست.

(۳) مهمان‌نوازی نسبت به خانواده، آشنایان و بیگانه‌ها، برای حفظ و گسترش شبکه اجتماعی.

(۴) فروتنی یا تواضع، یعنی آدم متکبر نباشد و مطلوب این است که آدم هرچقدر برابری یا ثروتمندتر باشد، آن را نشان ندهد. همچنین امکان دارد که همین‌ها باعث حس خجالت شود و خجالت هم عامل تعارف می‌شود، ضمن آنکه امکان دارد که حسی که آدم نمی‌خواهد که کار واجبش مهمتر از رابطه با طرف مقابل به نظر برسد تعارف (یعنی مراقبت‌کننده و حافظ رابطه) ایجاد کند.

متأسفانه در این مقاله فرصت نیست که به این وجه‌ها بیشتر پرداخته شود، چون تحقیق فراگیر و دقیق‌تری لازم است. به هر حال، این وجه‌ها تحت تأثیر تحولات تاریخی قرار دارند و رفته رفته به فرهنگ شکل می‌دهند. به همین سبب برای هویت ایرانی‌ها یک نقش بنیادی را ایفا می‌کنند و از اینجاست که ایرانی‌ها تعارف را ایرانی توصیف می‌کنند.^(۲۰) همین باعث می‌شود که خارجی‌ها هم تعارف را ایرانی تلقی کنند و به‌علاوه تعارف برای یادگیری زبان فارسی نیز نقش مهمی دارد.^(۲۱)

بنابراین، وقتی که کسی می‌گوید فلان آدم خیلی تعارف می‌کند به این معناست که آن آدم خیلی از ابزار تنظیم رابطه استفاده می‌کند. تعارف، به طور کلی، با اینکه کاری اجتماعی است و قاعدتاً بی‌ادبی نیست، تنظیم‌کننده رابطه است و به این ترتیب توانایی تغییر رابطه را دارد. توانایی تغییر به نوعی حالت رابطه کنونی را به چالش می‌کشد^(۲۲) و به همین دلیل امکان ایجاد حسی آزاردهنده و خسته‌کننده را، بخصوص وقتی که زیاد استفاده می‌شود و هدف آن معلوم نیست، دارد. هم‌زمان این ابزار راه آشنا شدن با دیگران و حفظ روابط اجتماعی و بخشی از اعتمادسازی است. اما حالا در اینجا باید بیشتر درباره‌ی رابطه میان ادب ۱ و تعارف صحبت شود.

۴. رابطه ادب ۱ و تعارف

تعارف را یک ابزار رفتار اجتماعی تعریف کردیم. پس تعارف فقط برای رفتار مؤدبانه یک ابزار تنظیم روابط اجتماعی نیست، بلکه تنظیم‌کننده کل رفتار اجتماعی است. ولی در عمل به دو علت عمدتاً با رفتار مؤدبانه و مؤدبانه بیش از اندازه مربوط می‌شود. برای

نشان دادن این دو علت دوباره از نمونه پیشین استفاده می‌کنیم: همان‌طور که گفته شد، امکان دارد که یک عامل تعارف این حس فرد باشد که بخواهد اهمیت رابطه شخصی‌اش با دیگری را نسبت به کار واجبش تأکید کند تا نشان بدهد این رابطه اهمیت بیشتری دارد. در این نمونه، آن حس را این هنجار اجتماعی ایجاد می‌کند که رابطه شخصی بسیار ارزشمند است و اهمیت بسیار دارد. این هنجار را فرد در طول زندگی، به‌ویژه هنگام کودکی‌اش، بر اثر تربیت آموخته و چون کاملاً درونی شده است، برای او طبیعی به نظر می‌رسد. اینجا می‌توان متوجه شد که کاربرد تعارف تصمیمی تا حدی اختیاری است.^(۲۳) فرد، با این که چنین حسی دارد، می‌تواند تعارف نکند، گرچه به احتمال توقع دارد که اگر تعارف نکند، رفتارش بی‌ادبانه تلقی شود. بنابراین، به احتمال یک کاری می‌کند که بی‌ادبانه رفتار نکند، چون هنجار اجتماعی این است. اینجا نقش مرکزی هنجار اجتماعی و اختیار تعارف آشکار می‌شود، و اگرچه این نمونه هم شاید نشان دهد که ادب ۱ و هنجارهای اجتماعی یکسان نیستند، وابستگی تنگاتنگشان را هم نشان می‌دهد. هنجارهای اجتماعی نسبت به ادب ۱ کلی‌تر به نظر می‌رسند، چون یک هنجار اجتماعی این است که آدم با احترام رفتار کند، اما ادب ۱ تعریف دقیق‌تری دارد و به ما می‌گوید که با چه کسی به‌ویژه قرار است رفتار محترمانه نشان دهد و استثناها کجاست.^(۲۴)

به هر حال، علت اولی که باعث می‌شود تعارف در عمل عمدتاً به رفتار مؤدبانه مربوط شود اختیار در تعارف است، چون به طور معمول کاربرد این ابزار در موقعیت‌ها برگزیده می‌شود، یعنی اینکه به‌واسطه هنجار اجتماعی مراقب رابطه اجتماعی تعریف شده است یا این اتفاق به دلیل هدفی شخصی یا واکنش به محبت افتاده است، و این باعث می‌شود که تعارف عمدتاً برای رفتار مؤدبانه به کار رود.

علت دومی که باعث می‌شود تعارف عمدتاً در ارتباط با رفتار مؤدبانه در نظر گرفته شود این است که، چنانکه گفتیم، رفتار بی‌ادبانه و مؤدبانه در قطب رفتار اجتماعی قرار دارند و این حالت‌های رفتار اجتماعی جلب توجه می‌کند. این باعث می‌شود که وقتی یکی از این حالت‌ها واقع شود، جای توجه و بحث به وجود می‌آید و معمولاً در این بحث ذکر می‌شود که فلان آدم یا اصلاً تعارف (که حافظ رابطه است) نمی‌کند، و این رفتار بی‌ادبانه محسوب می‌شود، یا بیش از اندازه تعارف می‌کند، و این هم معمولاً به نوعی منفی تلقی می‌شود. در هر صورت، قاعدتاً برای ارزیابی آن رفتار، رفتار مؤدبانه نقطه سنجش است و به این خاطر تعارف حتی در این شرایط نقش مرکزی را دارد. بدین دلیل، مفهوم تعارف به عنوان ابزار حافظ رابطه یک بخش مرکزی و روزمره زندگی ایرانی

هاست. با این همه، توجه به خود واژه تعارف عرصه کاربرد اصلی یا هدف تعارف را روشن‌تر خواهد کرد و این هم اهمیت ادب ۱ را برای تعارف بیشتر نشان می‌دهد. ریشه لغت تعارف «عرف» است و این ریشه به معنای «آشنا بودن، شناختن» است و از این ریشه کلماتی مانند عارف، معرف، معرفی، معرفت، عُرف ساخته شده است. لغت تعارف باب تفاعل این ریشه است و معنای «با هم آشنا شدن» دارد. چنانکه در نمونه قبلی گذشت، هنجارها یا قاعده‌های اجتماعی و در عمل ادب ۱ خصوصاً عوامل تعارف به حساب می‌آیند و به همین سبب می‌توان گفت که شکل آن را مشخص می‌کنند و می‌توان آنها را عامل تعیین‌کننده اصلی هدف تعارف هم به شمار آورد. پس تعارف کردن یعنی مراقبت و حفظ رابطه با توجه به قاعده‌های اجتماعی و ادب ۱ (شامل عرف‌ها)، به‌ویژه در حال آشنا شدن با همدیگر.

اما «با هم آشنا شدن» طبیعتاً روندی است که به‌ویژه در میان دو بیگانه روی می‌دهد، ولی میان آشناها، همکارها، دوست‌ها و حتی بستگان به معنای «بیشتر با هم آشنا شدن» است. به این گونه عرصه کاربرد تعارف معلوم می‌شود. تعارف عمدتاً در روابطی که در میان آن فاصله‌ای هست به کار می‌رود (آزادارمکی، ۱۳۸۷: ۱۹۹). در یک رابطه دور - مثلاً در برخورد با یک راننده تاکسی رابطه دور و مشخص است - به طور معمول هیچ کدام علاقه‌ای ندارند واقعاً با طرف مقابل آشنا شوند و به این دلیل از ابزار تنظیم رابطه اجتماعی فقط ظاهراً استفاده می‌کنند. این نوک خیلی آشکار کوه یخ پدیده تعارف است. در همین جاست که تعارف اصطلاحاً «شاه‌العظیمی» یا «شابدلعظیمی» به وجود می‌آید که معنایی واقعی ندارد. در یک فاصله نزدیک، بین انسان‌هایی که یکدیگر را خوب می‌شناسند (مانند دوست صمیمی یا رابطه زناشویی، ...)، معمولاً تعارف کمتر وجود دارد. این احتمالاً دو علت دارد: (۱) تنظیم رابطه میان این افراد نسبتاً روشن است، با این که این روند هیچ وقت به پایان نمی‌رسد. (۲) اهمیت رابطه این افراد نسبت به کارهای واجب هم برای هر دو نفر آشکار است. (۲۵) پس اینها از ابزار مراقبت و حفظ رابطه کمتر استفاده می‌کنند. البته در یک این روابط - چه رسمی چه خصوصی - همواره رابطه به این آشکاری نیست و امکان تغییر در آن بیش از اینهاست. (۲۶) پس در این حالت احتیاج بیشتر به حافظ رابطه دارند و در این روند هنجارهای اجتماعی و ادب ۱ عوامل تعیین‌کننده تعارف می‌باشند و تعارف را پیش می‌برند و به آن شکل می‌دهند. (۲۷) در اینجا باید دوباره متذکر شد که، همان‌طور که گفتیم، می‌توان با تعارف فاصله رابطه را کوتاه‌تر و دورتر کرد.

در کاربرد تعارف یک طیف رفتارها، بین تعارف کم و تعارف زیاد، وجود دارد که بجا

(باسیاست) یا مؤدبانه تلقی می‌شود،^(۲۸) و خارج از این، در رفتارهای دیگر امکان ایجاد برداشت بی‌ادبانه یا بیش از اندازه مؤدبانه وجود دارد. درباره تعارف شابدلعظیمی اشاره‌ای شد، ولی ذکر این نکته سودمند است که این تعارف با تعارف بیش از اندازه فرق دارد، گرچه مرز بین آنها همیشه روشن نیست، چون تلقی مخاطبان مصاحبه‌ها از تعارف شابدلعظیمی متفاوت و گسترده بود. به هر حال، به نظر می‌رسد که تعارف بیش از اندازه می‌تواند علت‌های مختلف داشته باشد، از جمله اینکه فرد هدفی شخصی دارد و سعی می‌کند با تعارف و یک رفتار ظاهراً مثبت برای خود امتیازی به دست آورد. این را می‌توان «وسیله قرار دادن» ابزار تنظیم رابطه اجتماعی نامید. البته این امکان هم هست که فرد از دیگری یا کارش به حدی قدردانی کند که طرف مقابل باورش نشود و رفتارش را تعارف بیش از اندازه تلقی کند. به هر حال، چنانکه گفتیم، قاعدتاً تعارف مؤدبانه تلقی می‌شود، ولی ممکن است به دلایل ذکرشده خسته‌کننده نیز باشد و بخصوص بر تعارف بیش از اندازه گاه به گاه حتی نام دروغ نهاده می‌شود. البته دروغ فقط یک بخش خاص از این پدیده اساسی برای تنظیم رابطه اجتماعی است.

۵. تنوع هنجارهای اجتماعی و تعارف، و تأثیرش بر هویت‌سازی

با تعارف می‌توان بازی کرد و تعارف تنوع‌پذیر است، به این معنی که چگونگی تعارف از هدف تعارف مستقل است، چون تعارف ابزار است. این است که تعارف شکل‌های گوناگون پیدا می‌کند: محلی، زبانی، گویشی، گروهی (زن، مرد، ...)، طبقاتی، شغلی، مکانی^(۲۹) و غیره. همچنین ادب و تعارف نیز امکان بازی با کلمه و ابتکار و نوآوری را دارند و دچار تحولات تاریخی می‌شوند. صرف گردآوری این تنوعات منابع غنی بزرگی برای علم مردم‌شناسی و زبان‌شناسی ایران فراهم می‌کند، اما این کار با این رویکرد تا به حال به صورت گسترده صورت نگرفته است. همچنین بررسی هنجارهای اجتماعی، ادب ۱، تعارف و تأثیر آنها بر تاریخ ایران می‌تواند مسئله جالبی برای تحقیق باشد، زیرا چگونگی رفتار اجتماعی بر برخورد گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلف و تاریخ کشور تأثیر می‌گذارد^(۳۰) و علت آن این است که ماهیت رفتار اجتماعی تأثیر اساسی بر هویت‌سازی یک فرهنگ - چه گروه کوچک باشد چه یک ملت - و ایجاد تفاوت بین گروه‌ها دارد. انسان یک موجود اجتماعی است و در یک بافت گروهی فکر می‌کند و برای ساختن هویت خویش باید یک مرز میان گروه خویش و دیگران قائل شود. برای این کار انسان عمدتاً از مشخصه‌های صوری، مانند زبان، ظاهر و هنجارهای اجتماعی که شامل ادب ۱ است، استفاده می‌کند. پس رعایت هنجارهای اجتماعی و ادب ۱ گروه‌ها را هم از

بیرون متمایز می‌کند هم در درون آنها ساختارسازی می‌کند. برای عضویت در یک گروه، آدم باید با قانون‌های اجتماعی آن گروه آشنا باشد و آن‌ها را حداقل تا حدی رعایت کند. این کار هم اصولاً متضمن پذیرش ساختار و رتبه‌بندی آن گروه است، و چونکه تعارف یک ابزار برای رعایت این قانون‌های اجتماعی است، در این روند هم نقش مرکزی دارد. پس کاربرد تعارف هم سهم خود را در حفظ ساختار و رتبه‌بندی یک گروه و ایجاد تفاوت میان آن گروه و دیگران دارد. ادب ۱ و شکل‌های ملموس تعارف را می‌توان به طور معمول در کتاب‌های تربیتی پیدا کرد. از این نوع کتاب‌ها به تعداد زیاد در کشورهای مختلف نوشته شده است. در ایران دو کتاب مهم در این موضوع در دوره ساسانی *خدای‌نامگ* و *آیین‌نامگ* بوده است. بعد از حمله عرب باید دست کم دو اثر مهم را ذکر کرد: *سیاست‌نامه نظام‌الملک* درباره شیوه رفتار سلطان و *قابوس‌نامه* کیکاووس بن اسکندر، که تقریباً شامل ادب‌ها برای کل عرصه‌های زندگی است. از آن زمان به بعد شمار بسیاری از این کتاب‌ها نوشته شده است،^(۳۱) ولی کتاب‌های دیگر، مانند سفرنامه‌ها، کتاب‌های مذهبی و کتاب‌های تربیتی کودکان، را هم می‌توان منابعی بسیار ارزشمند شمرد.

۶. مسائل معاصر

برای روان‌شناسان، مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان یک موضوع اصلی در بررسی هنجارهای اجتماعی، ادب ۱ و تعارف این است که هم‌اکنون تلقی مردم ایران از مراقبت و حفظ روابط اجتماعی در حال دگرگونی است. برای این دگرگونی دلایل گوناگونی آورده‌اند، مانند روند شتابنده جهانی‌سازی، تجدد یا مدرنیته و شهرنشینی. به‌ویژه جوانان شهری اغلب می‌گویند تعارف زمان زیادی را می‌برد یا تعارف را «الکی» یا «دروغی» می‌دانند. این است که می‌گویند کمتر از تعارف استفاده می‌کنند (البته تعبیری مانند «من اصلاً تعارفی نیستم» در واقع تعارفی هم به کار می‌روند).^(۳۲) در اینجا آشکار می‌شود که چگونگی تعارف تغییر پیدا کرده، اما اهداف تعارف نه.

یک مسئله اساسی دیگر در بررسی ادب ۱ و تعارف وجود دارد که حداقل به پیچیدگی تمایز ادب ۱ و تعارف است. چنانکه گذشت، تمایز گذاشتن بین ادب ۱ و تعارف فقط با توجه به اصطلاحات زبانی یا زبان بدن شدنی نیست، چون موقعیت و لحن (که شاید نیت را آشکارتر کند) نیز بسیار مهم‌اند. پس ارزیابی رفتار همواره وابسته به این وجه‌هاست و معمولاً بین حداقل دو نفر صورت می‌گیرد و یک گفت‌وگو دائم و مستمر است. این حالت به آن معنا هم هست که انسان می‌تواند پس از یک برخورد با

دیگری در مورد این برخورد فکر کند و شاید رفتار خویش یا طرف مقابل را از نو ارزیابی کند و این یک ویژگی کلی رفتار انسانی را نشان می‌دهد: توان اندیشیدن درباره خود،^۱ یعنی اگر با آدمی درباره علت‌ها و انگیزه‌هایش نسبت به رفتارش صحبت کنیم، در حقیقت درباره طرز اندیشیدن آن فرد نسبت به رفتارش پژوهش می‌کنیم، نه درباره حقیقت عملکرد آن فرد. بین این دو رابطه‌ای هست، ولی باید تفاوتی هم گذاشت و به این حالت نیز باید در بررسی در مورد ادب ۱ و تعارف توجه کرد.

اکنون به چند مسئله و موضوع دیگر هم اشاره می‌کنیم: در این مقاله به موضوع واکنش‌هایی که رفتار بدون سیاست یا بی‌ادبانه بر می‌انگیزاند پرداخته نشد؛ همچنین به چگونگی تحریم یک فرد از طرف اطرفیان تا آن فرد دوباره بر طبق هنجارهای اجتماعی و ادب ۱ رفتار کند. چند پرسش اساسی هم باقی مانده است به این قرار: به چه روشی تناسب هنجارهای اجتماعی، ادب ۱ و تعارف از لحاظ تغییرات تاریخی قابل بررسی است؟^(۳۳) کی و چگونه واژه عربی تعارف در زبان فارسی رواج پیدا کرده و متداول شده است؟ در این رابطه اجمالاً به نکته‌ای باید توجه کرد و آن اینکه به نظر رشید عمر، تعارف در قرآن کریم مفهومی است برای پذیرفتن کامل یکدیگر،^(۳۴) اما غیر از آن، کلمه تعارف به عنوان یک مفهوم خاص در زبان عربی معمولاً به کار برده نمی‌شود. در این رابطه یک نکته دیگر هم هست: در بعضی کشورهایی که جمعیت اسلامی دارند تعارف مفهومی است برای پیدا کردن همسر درست.^(۳۵)

موضوع دیگر اینکه اگر تعارف را یک ابزار رابطه اجتماعی بشماریم، بررسی فرهنگ دیگر با همین فهم هم جالب می‌شود. مقصود بررسی‌های تطبیقی است که این موضوع را موضوع تحقیقات عمیق‌تر از مقایسه اصطلاحات قرار می‌دهند.

سؤال دیگر این است که تأثیر دین، به‌ویژه دین اسلام، بر ادب ۱ و تعارف مردم چطور است؟ در همه ادیان به مراقبت از روابط اجتماعی اهمیت زیادی داده می‌شود و هم پیامبران الگوی انسان‌ها هستند هم بزرگان دین. و البته پرسش‌های جزئی‌تر هم هست: تأثیرگذاری قاعده‌های اجتماعی، ادب ۱ و تعارف بر طراحی فضا چطور است؟ یعنی تأثیرش بر معماری یا چیدن و تزیین اسباب‌خانه.^(۳۶) و یک موضوع دیگر که در آغاز این بند مطرح شد: علت تغییر برداشت مردم و استفاده کمتر از تعارف در زندگی امروزی چیست و اینکه آیا این برداشت قابل سنجیدن است و اگر هست، با چه روشی؛ بخصوص اگر در نظر بگیریم که می‌خواهیم میزان کاربرد واقعی آن را بسنجیم و نه میزان ادراک مردم را؟^(۳۷)

۷. نتیجه

در این مقاله کوشیدیم مسائل اساسی در مورد ادب و تعارف را طرح کنیم و به این گونه یک تعریف دقیق‌تر یا دست‌کم یک توصیف بهتر را نسبت به بعضی از تعاریف‌ها و توصیفات که در کتاب‌ها و مقاله‌ها رایج است بیان کنیم. البته این توصیفات و توضیحات ارزش بسیار دارند، چون اغلب هنجارهای اجتماعی و ادب ۱ را در ایران شرح می‌دهند. از این رو، شاید بتوان اساس یک مقاله را اطلاعات گردآوری‌شده نهاد و تمایز بین ادب ۱ و ادب ۲ را با بحث علمی در مورد ساختار اجتماعی ایران و روابط اجتماعی مطرح کرد. اگر این اتفاق بیفتد، پژوهش در مورد ادب و تعارف در ایران قابلیت تأثیرگذاری مهمی بر پژوهش بین‌المللی درباره *politeness* را دارد، چون، اگر نگارنده تعارف را به‌عنوان یک ابزار درست نشان داده باشد، پژوهش دقیق‌تر و تطبیقی بین کشورها می‌تواند نظریه‌های *politeness* را که در حال حاضر متداول هستند تکمیل‌تر کند.

اگر بخواهیم مطالب گذشته را مرور کنیم، باید به این نکات توجه دهیم: ادب ۱ و ادب ۲ را واتس به هدف تفاوت‌گذاری بین توصیفات و تعاریف ملموس روابط اجتماعی از لحاظ هنجارهای اجتماعی و رفتار مؤدبانه، و بیان یک نظریه بین‌المللی برای سراسر جهان مطرح کرده است، چون نشان داده است که نظریه‌های *politeness* را تا پیش از نظریه خود او بر اساس اصطلاحات و توصیفات ملموس یک فرهنگ نهاده‌اند، و تلاش برای انتزاعی کردن این اصطلاحات و توصیفات به‌جهت ساختن یک نظریه عام بین‌المللی تحت تأثیر تصور انگلیسی از رفتار مؤدبانه بوده است. پس هدف از تمایز میان ادب ۱ و ادب ۲ این است که تمایز بین هنجارهای اجتماعی و رفتار مؤدبانه یک منطقه یا ملت و ساختن و پروردن یک نظریه عام بین‌المللی راحت‌تر انجام شود و از لحاظ زبانی هم امکان تفاوت‌گذاری بین آن دو به‌راحتی ممکن باشد. در مورد پژوهش‌های کنونی درباره ادب ۲ در این مقاله بحث نشده است؛ این تمایز هنوز خام است و در حال شکل‌گیری است. همچنین باید در نظر بگیریم که ادب ۱ و ادب ۲ به هم پیوسته‌اند و قرار است که ادب ۱ همواره ادب ۲ را در حیطه عمل به چالش بکشد. در هر صورت، در بحث از ایران و رفتار مؤدبانه، مفهوم تعارف جلب توجه می‌کند و ما آن را در این مقاله به‌عنوان یک ابزار تنظیم روابط اجتماعی مطرح کردیم. ممکن است وجود این مفهوم را نشانه آگاهی ایرانی‌ها از این ابزار و اهمیتش ارزیابی کنیم. متداول نبودن لغت ادب به‌عنوان ادب ۱ هم نشانه جالبی است که می‌تواند دلایل مختلف داشته باشد. یک فرض این است که این حالت نشانه تحول تصور مردم از کلمه تعارف است و معنای این

کلمه کم‌کم تحولی شبیه کلمه آلمانی *Höflichkeit* می‌یابد، زیرا *Höflichkeit* هم در گذشته بیشتر یک ابزار تلقی می‌شده برای سازماندهی جامعه، ولی به دلیل دگرگونی بافت جامعه معنایی نو پیدا کرده و معنای امروزی را به خود گرفته است. اگر فرض کنیم مسأله به این شکل باشد و نظرهای جوانان ایران را در نظر بگیریم، دو امکان قابل تصور است: (۱) امکان دارد که ابزار تنظیم روابط اجتماعی، در معنای کلمه تعارف اهمیت خود را از دست بدهد و هدف اصلی‌اش، یعنی رفتار مؤدبانه، تقویت شود. به این گونه هم ابزار هم هدف در کلمه تعارف از لحاظ اهمیت در این کلمه شبیه هم می‌شوند؛ (۲) همین تحول، ولی نه در کلمه تعارف، بلکه در کلمه ادب روی دهد، به این معنی که این کلمه در آینده متداول‌تر شود و حاوی هر دو بار معنایی شود. اینکه آیا یکی از این دو اتفاق بیفتد یا نه کاملاً نامشخص است. ولی این حالت نشان می‌دهد که از دید یک آلمانی ترجمه «Iranian politeness» از لغت تعارف از این نظر درست است که تصور کلی از معنای کلمه *politeness* شامل تعارف هم هست، ولی تأکید این کلمه بر یک معنای دیگر است و بدین دلیل ترجمه مناسبی نیست. به هر حال، اکنون فرصت آن هست که کلمه تعارف ترویج شود و به این گونه گنجینه واژگان زبان‌های دیگر در موضوع روابط اجتماعی غنی‌تر گردد.^(۳۸)

پی‌نوشت‌ها

- نگارنده دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی در دانشگاه هامبورگ است و به مدت چهار ماه فرصت داشت در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران تحصیل و پژوهش کند. برای این فرصت و پشتیبانی هنگام اقامت در ایران از مؤسسه و به‌ویژه از ریاست مؤسسه، جناب آقای دکتر حسین ایمانی جاجرمی، بسیار سپاسگزارم.
 - البته در اینجا باید متذکر شد که می‌توان بین رفتار بجا و رفتار مؤدبانه (بیش از اندازه) تمایز قائل شد (رک. ادامه بحث).
 - اطلاعات بیشتر در باره مصاحبه‌ها در بخش منابع آمده است.
 - برای یک مقاله کلی درباره توسعه مفهوم ادب اجتماعی از دوره ساسانیان به بعد، رک. Dupree, "Etiquette", in *Encyclopaedia Iranica*.
 - و درباره ادب اجتماعی درباری ایرانی از دوره هخامنشیان به بعد، رک. Khaleghi-Motlagh and Farhudi, "Bār," in *Encyclopaedia Iranica*.
 - Höflichkeit* معنای رفتار درباری دارد، ولی امروزه در ذهن آلمانی‌ها با دربار نسبتی ندارد. *politeness* در انگلیسی به کلمه لاتینی *politus* برمی‌گردد و معنای «جلاداده» دارد، یعنی کسی که ظریف رفتار می‌کند و عین یک آئینه بزرگی طرف مقابل را بازتاب می‌دهد. البته در این بازتاب هم امکان خطر هست، چون این آئینه جلاداده هم می‌تواند سطحی باشد. ظاهراً ادب ۱ و دروغ همیشه رابطه‌ای نزدیک داشته‌اند. گوته در *فاوست* ۲ می‌گوید: «در آلمانی وقتی مؤدبی یعنی دروغ می‌گویی.» ("Wenn man im Deutschen höflich ist, lügt man.")
6. Erving Goffman's descriptions of "face-work".

در نظریه او «face» این گونه تعریف شده است:

“... the positive social value a person effectively claims for himself by the line others assume he has taken during a particular contact. Face is an image of self delineated in terms of approved social attributes ...” (Goffman, 1976: 5).

7. Penelope Brown and Stephen Levinson's theory of “politeness”.

اساس نظریه آنها درباره *politeness* نظر گوفمان در مورد «face» است، ولی بین *positive face* و *negative face* فرق گذاشته‌اند و تعریفی محدود از *politeness* کرده‌اند: *positive face* تقریباً همان نظر گوفمان است و *negative face* به این معناست که هر آدم از حقوق آزادی‌اش، مثلاً این که هیچ‌کسی خواسته اش را به او تحمیل نکند، دفاع کند.

۸. چونکه آنها *politeness* را به «face-threatening-acts» تعریف می‌کنند، ولی بسیاری از رفتارها در روابط انسانی، به‌ویژه با این همه فرهنگ‌های گوناگون در سراسر جهان، «face-threatening-act» محسوب نمی‌شود، بلکه رفتارهای مؤدبانه می‌تواند انگیزه و پیامدهای مختلفی داشته باشد (رک. ادامه بحث).

۹. این نمونه مبنی بر مثالی است که واتس ساخته است (Watts and Locher, 2005: 15).

۱۰. این حالت هم وجود دارد که گوینده و مخاطب در مورد کسی یا گروهی که حضور ندارد صحبت کند و یا گویندگان یا مخاطبان بیشتر از یک نفر باشند. اصولاً همان گفتمان، زمانی که یک فرد درباره رفتارهای خویش یا دیگران بیندیشد نیز صادق است، زیرا فرد می‌تواند در روند ارزیابی و آگاه‌سازی استدلال‌های گوناگون را در ذهنش مطرح کند.

۱۱. *political*؛ نکته جالب اینجا این است که در فارسی اصطلاح «فلان آدم سیاست ندارد» هم وجود دارد و گاهی معنای رفتار بی‌جا می‌دهد. البته به نظر می‌رسد که معنای آن با منظور واتس از «*political*» کاملاً یکسان نیست.

۱۲. در اینجا شاید بتوان به جای «face» از کلمه فارسی «آبرو» یا «نام» یا «وجهه» استفاده کرد. با اینکه حتماً این دو به هم شبیه‌اند، نگارنده ترجیح می‌دهد که از کلمه «face» استفاده کند. شاید یک بررسی دقیق روشن کند که «آبرو» یا «نام» یا «وجهه» هم به همین معناست و کاربرد این واژه‌ها مناسب است. جالب این است که کلمه «face» به این معنا تقریباً صد سال پیش از زبان چینی به زبان انگلیسی انتقال یافت و از طرف گوفمان حدود شصت سال پیش به عنوان مفهوم علمی تعریف شد.

۱۳. اینجا باید در نظر گرفت که نقش فعال و منفعل هیچ وقت به طور کامل مشخص نیست، چونکه بین آنها یک رابطه متقابل موجود است.

۱۴. این ترجمه قابل مناقشه است، زیرا می‌توان استدلال کرد که نه تمامی رفتارهای اجتماعی هم‌زمان و به همین گونه موضوع تنظیم رابطه اجتماعی‌اند؛ به عنوان مثال رفتار اجتماعی در وضع خاص، مانند فاجعه طبیعی و غیره. البته به نظر نگارنده رفتارهای خشن مانند زورگویی و خونریزی را باید کنار بگذاریم، چون اوضاع و احوال خاص محسوب می‌شوند.

۱۵. این نظر نتیجه چند مصاحبه‌ی نگارنده در تهران، شیراز، اصفهان و یزد می‌باشد، ولی باید بیشتر روی این مصاحبه کار شود تا به نتیجه‌ی درستی برسد.

۱۶. در حقیقت درباره این نکته باید بیشتر بحث شود، چون اینکه آیا انسان موجودی اجتماعی است یا نیست بحثی ناتمام است، و اینکه اگر چنین باشد، چگونه این ویژگی باعث می‌شود که رفتار اجتماعی مثبت تلقی شود خود پریشی اساسی است.

۱۷. یک نمونه برای فرق گذاشتن بین هنجارهای اجتماعی و ادب: «وقتی که یک مهمان وارد خانه می‌زبان می‌شود و کفش‌هایش را جلوی در خانه درمی‌آورد، این رفتار هنجار اجتماعی به شمار می‌رود و نه صرفاً رفتار مؤدبانه.

تعارف در اینجا مصداق دارد که مهمان که وارد خانه شده بپرسد که آیا کفش‌هایش را در بیاورد یا نه، و میزبان پاسخ دهد که شما لازم نیست. اگر مهمان و میزبان در این مورد بیشتر با هم اصطلاحات تعارفی را رد و بدل کنند، احتمال این که این رفتار تعارفی تلقی شود بیشتر هم می‌شود.

۱۸. محبت می‌تواند باعث تعارف شود، چون طرف مقابل شاید یک واکنش تعارفی نشان دهد.

۱۹. این نکته‌ها را دکتر رحمان صحراگرد، بر اساس یک بررسی فراگیر، وجوه مهم مسأله تعیین کرده است (Sahragard 2003: 405).

۲۰. گفته شد که رفتار «بی‌ادبانه و مؤدبانه بیش از اندازه» قطب‌های رفتار اجتماعی‌اند و به این ترتیب برای برداشت اول این پدیده آشکارتر است.

۲۱. یا بر عکس، وقتی که ایرانی‌ها یک زبان دیگر یاد می‌گیرند، آگاه کردن آنها به تفاوت‌های فرهنگی مهم است.

۲۲. حتی هم اگر تا اکنون هیچ رابطه‌ای موجود نبوده است، این حالت به چالش کشیده می‌شود.

۲۳. «تا حدی»، چون با این که نگارنده باور دارد که تصمیم‌گیری است، در خیلی از موقعیت‌ها تعارف عادت شده است و دیگر تصمیم کاملاً آگاهانه‌ای گرفته نمی‌شود، بلکه بیشتر به طور خودکار عمل می‌شود. علاوه بر این، نگارنده باور دارد که آدمی به طور معمول اهمیت به «face» می‌دهد و به این منظور توجه به رفتار اجتماعی-اش هم می‌کند.

۲۴. یک مثال: هنجار اجتماعی است که مهمان‌نوازی مهم است و ادب است که به مهمان‌ها چای تعارف شود، ولی در ماه رمضان کسی این توقع را ندارد.

۲۵. همان‌طور که بیان شد، امکان دارد که یک عامل تعارف حسی باشد که آدم می‌خواهد اهمیت رابطه شخصی را نسبت به کار واجب خود نشان دهد. در این نمونه، هنجار اجتماعی که رابطه شخصی بسیار ارزشمند است و اهمیت زیادی دارد این حس را ایجاد می‌کند.

۲۶. در مصاحبه‌ها اغلب بیان شده است که تعارف می‌تواند باعث بلا تکلیفی شود. با تعارف حالت رابطه سنجیده می‌شود.

۲۷. به عامل خسته‌کنندگی تعارف بی‌هدف اشاره شد.

۲۸. جالب است که بر طبق بررسی مارسیال لوسادا (Marcial Losada) و باربارا فردریکسون (Barbara Fredrickson)، که روان‌شناس هستند، یک «تناسب طلایی» در رابطه اجتماعی وجود دارد. به این معنی که معمولاً حداقل ۳ بار آدم باید رفتار مثبتی را نشان بدهد تا یک رفتار منفی تأثیری بر رابطه اجتماعی نداشته باشد (در روابط صمیمی حداقل ۴ یا ۵ بار). اکنون دو سال است که این نتیجه پژوهش ایشان مورد انتقاد واقع شده است، ولی اتفاقاً تعداد ۳ بار همان تعدادی است که برای تعارف هم به اصطلاح به عنوان جهت‌یابی نقش مهم را دارد.

۲۹. مثلاً آداب حمام سنتی که حتی اصطلاحاتی را هم ساخته، مانند «تعارف آب حمامی» که عرضه آب حمام است که مجانی است.

۳۰. به عنوان مثال، توسعه ایران در دوره پیش از مشروطه، در زمان مشروطه و پس از آن از دیدگاه تحولات روابط اجتماعی حتماً موضوع جالبی است.

۳۱. بین این کتاب‌ها می‌توان دو نوع کتاب را از هم متمایز نمود: (۱) کتاب‌های مذهبی مانند *ادب الهی*، *تأدیب نفس از حاج آقا مجتبی تهرانی* یا *سنن النبوی* از سید محمد حسین طباطبایی یا *رساله حقوق امام سجاد (ع)* از سید جواد معلم و بسیاری کتاب‌های دیگر. (۲) کتاب‌های غیر مذهبی مانند *آداب معاشرت برای همه از خسرو امیرحسینی*. در این رده شگفت‌انگیز است که اکثریت کتاب‌ها ترجمه شده‌اند، مانند *کتاب جامع آداب معاشرت از پگی پست (Peggy Post)* و دیگران.

۳۲. امکان دارد که این بیان هدف‌های دیگر را هم داشته باشد، مثل (۱) نشان دادن مدرن بودن، چون به نظر می‌رسد که تعارف نسبت زیادی با مدرنیته ندارد؛ (۲) بیان دوست نداشتن تعارف، به هر دلیل.
۳۳. مثلاً برای این کار می‌توان به عنوان نقطه آغاز از فرمان‌های شاهان هخامنشی استفاده کرد.
۳۴. رشید عمر پژوهشگر دانشگاه نتردام در ایالات متحده است. او تعارف را به جای رواداری به عنوان طرح قرآنی مطرح می‌کند که حتی کامل‌تر و عمیق‌تر از رواداری است (Rashied Omar, 2011: 19f.). کلمه تعارف در سوره حجرات، آیه ۱۳ به کار رفته است: « يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ». و سایت‌الکتاب در این مورد توضیح می‌دهد: « تشخیص و تمییز انسان‌ها به وسیله یکدیگر امری مهم در قوام جامعه و مناسبات اجتماعی است. از اینکه شناخت اعضای جامعه بشری نسبت به یکدیگر غایت و هدف پیدایش تکوینی «شعوب و قبائل» معرفی شده دانسته می‌شود که تعارف و شناسایی انسان‌ها نسبت به یکدیگر دارای نقشی مهم در قوام و پایداری زندگی اجتماعی آنان است.» (۱۵، ۲۰۷، ۰۱۰۷) http://www.alketab.org/الحجرات_۱۳
۳۵. به عنوان مثال یک سایت از اندونزی :

<http://weekepedia.blogspot.de/2013/02/pengertian-taaruf-dalam-agama-islam.html>
(26.06.2015)

۳۶. بر طبق سنت خانه‌ها یک بخش اندرونی و بیرونی داشتند و هنوز بخش‌های مختلف در خانه‌های معاصر وجود دارند، مثل یک بخش برای پذیرایی روزمره و بخشی برای مناسبت‌های خاص. در این مناسبت‌ها شاید هم از ظرف و قاشق و چنگال خاص استفاده شود.
۳۷. به عنوان مثال: با توصیف کوتاه پدیده‌های تعارف در ایران، بسیاری از مردم آلمان می‌گفتند که تعارف در آلمان وجود ندارد، ولی نگارنده باور دارد که تعارف اصولاً به همین شکل وجود دارد. البته هنجارهای اجتماعی و ادب ۱ خیلی متفاوتند و بدین دلیل تعارف هم خیلی فرق می‌کند، و چونکه در آلمان هیچ لغتی برای ابزار تنظیم روابط اجتماعی وجود ندارد، این تصور ذهنی هم آگاهانه نیست و این پدیده ذیل کاربرد ادب ۱ (*Höflichkeit*) می‌گنجد.
۳۸. به عنوان مثال، اگر به آلمانی منظورمان این باشد که یک نفر دیگر تعارف کرد، ما به جای اینکه از این کلمه استفاده کنیم، باید وضعیت را شرح کنیم، مانند: «آن نفر این کار را فقط انجام داد تا مؤدب باشد».

منابع

مصاحبه‌ها: پیش از اینکه مصاحبه به روش مصاحبه کیفی تهیه شود، چندین مصاحبه به عنوان تستی و تمرین این روش انجام داده شد. سپس مصاحبه‌ها به طور میانگین به مدت ۱ ساعت طول کشید و این ۱۱ مصاحبه شامل سه نوع مختلف بود: مصاحبه با کارشناسان که استادان گوناگون از بخش‌های متفاوت بودند. در اینجا می‌خواهم از استاد تقی آزاد ارمکی، استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، و استاد وکیلان، مدیر مسؤول فصل‌نامه فرهنگ مردم، و دکتر رحمان صحراگرد، استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز، برای کمک و اطلاعاتشان بسیار تشکر کنم.

مصاحبه با مردم: در این بخش ۶ مصاحبه تک‌نفره، سه زن و سه مرد، تهیه شد. در هر گروه یک نفر جوان، یک نفر میان‌سال و یک نفر مسن بود.

مصاحبه گروهی: در این بخش ۲ مصاحبه، یک گروه جوانان و یک گروه افراد مسن، تهیه شد. متأسفانه در هر دو گروه تناسب زن و مرد برابر نبود، بلکه در گروه جوانان مردها بیشتر و گروه افراد مسن منحصراً مرد بودند.

آزاد ارمکی، تقی و محمد بیکران بهشت (۱۳۸۹). «تعارف در زیست روزمره ایرانی»، برگ فرهنگ، ش ۲۹، ۱۹۶-۲۰۹.

- Beeman, W. 1976. "Status, style and strategy in Iranian interaction," *Anthropological Linguistics*, 305-322.
- Beeman, W. 1986. *Language, Status and Power in Iran*, Bloomington: Indiana University Press.
- Brown, Penelope and Levinson, S. 1978, 1987. *Politeness: Some universals in language usage*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Dupree, Nancy H. 2015. "Etiquette," *Encyclopaedia Iranica*, <http://www.iranicaonline.org/articles/etiquette> (24.07.2015).
- Goffman, Erving 1955. "On Face-work: an Analysis of Ritual Elements in Social Interaction," in *Psychiatry: Interpersonal and Biological Processes* 3, 213-231.
- Khaleghi-Motlagh, Dj. and Farhudi, H. 'Bār," *Encyclopaedia Iranica*, <http://www.iranicaonline.org/articles/bar-audience> (24.07.2015).
- Koutlaki, S. 2003. "Offers and expressions of thanks as face enhancing acts: tæ'arof in Persian," *Journal of Pragmatics* 34, 1733-1756.
- Leech, Geoffrey 1983. *Principles of Pragmatics*, London: Longman.
- Omar, A. Rashied 2011. "Ta'aruf: Islam beyond 'tolerance'," *New Routes*, http://www.lifepeace.org/wpcontent/uploads/2013/06/NR_2011_1.pdf, 18-21(26.07.2015).
- Pellat, Ch. 1964. "Adab," in F. Bostānī (ed.), *Dā'irat al-ma'āref VIII*, 62-68.
- Sahragard, Rahman 2003. "A Cultural Script Analysis of a Politeness feature in Persian," *Proceedings of the 8th conference of Pan-Pacific Association of Applied Linguistics*, 399-423.
- Watts, Richard 1992, 2003. *Politeness*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Watts, Richard and Locher, Miriam 2005. "Politeness theory and relational work," *Journal of Politeness Research* 1, 9-33.

